



The Arguments of Comparing Women to Harth (Plowing) in Verse 223 of Surah Al-Baqarah with the Analytical-Critical Approach of Contemporary Modern Thinkers about It.

Leyla Ebrahimi¹

Hossein Bostan²

Mahdi Dorosti³

Received: 22/05/2022

Accepted: 03/09/2022

Abstract

One of the terms attributed to women in the Qur'an is the word harth. Verse 223 of Surah Al-Baqarah is one of the most important verses related to the issue of women, and the correct understanding of this verse has a significant impact on the representation of the Qur'an's view on the issue of women and its fateful results. In the verse of harth, the special and exclusive role of women in multiplying the generation is mentioned by comparing women to harth. However, this has caused doubt and criticism of the legal system of the Qur'an regarding the nature and status of women. In this verse, in order to "decorate speech and observe politeness", the word "harth" is used ironically to refer to the marital relationship. The purpose of this paper, which is descriptive-analytical, is to analyze the conceptual implications of the verse of harth and respond to the doubts and criticisms by relying on documents such as verse 223 of Surah Al-Baqarah, the existing interpretations of the mentioned verse and the Qur'anic and narrative arguments, so as to prove true view of legal system of the Qur'an

1. PhD student, Al-Zahra University, Qom. Iran (corresponding author). ebrahimi.ly1@gmail.com.

2. Associate Professor, Department of Sociology, Research Institute for Hawzah and University of Qom. Qom. Iran. hbostan@rihu.ac.ir.

3. Master's student, student of the third level of Islamic Seminary, Safiran Hedayat. Qom. Iran. dorosti.mahdi1@gmail.com.

* Ebrahimi, L., & Bostan, H., & Dorosti, M. (2022). The Arguments of Comparing Women to Harth (Plowing) in Verse 223 of Surah Al-Baqarah with the Analytical-Critical Approach of Contemporary Modern Thinkers about It. *Journal of Qur'anic Sciences Studies*, 4(12), pp. 105-133. DOI: 10.22081/JQSS.2022.64041.1193

about the nature and essence of women. Through a careful and comprehensive examination, it can be understood that what is mentioned in this verse is not only against women's rights, but also in the direction of supporting women's dignity. If you pay close attention to the different parts of the verse of harth, it does not indicate any difference in valuation between the two sexes, but it is one of the verses that discusses the value of a woman and what she is. This means that in the verse, attention is paid to the role of the relationship between men and women in having children.

Keywords

Harth, likening women to harth, the conceptual meaning of verse 223 of Baqarah, procreation.



دلالات تشبيه النساء بالحرث في الآية ٢٢٣ من سورة البقرة بمسلكٍ تحليلي نقدي لآراء المفكرين المعاصرين حولها

مهدي درستي^٣

حسين بستان^٢

ليلى إبراهيمي^١

تاريخ القبول: ٢٠٢٢/٠٩/٠٣

تاريخ الاستلام: ٢٠٢٢/٠٥/٢٢

الملخص

هناك عدد من التعابير القرآنية ذات الصلة بالعنصر النسوي، وأحد هذه التعابير هي كلمة (الحرث). والآية ٢٢٣ من سورة البقرة هي واحدة من أهم الآيات الخاصة بمسألة المرأة، والفهم الصحيح لهذه الآية له تأثير كبير في بيان نظرة القرآن إلى موضوع المرأة وما يترتب عليها من النتائج المهمة وآية الحرث تتحدث عن الدور الخاص والفريد للنساء في التناسل من خلال تشبيهها بالحرث، إلا أن هذا الأمر كان سبباً للتشكيك والنقد الموجه إلى النظام الحقوقي للقرآن في ما يخص ماهية المرأة ومكانتها ومعلوم أن هذه الآية ومن أجل (تزيين الكلام ورعاية الآداب) استعملت كلمة (الحرث) كنايةً تشير بها إلى العلاقة الزوجية الخاصة والهدف من هذه المقالة التي كتبت بالأسلوب الوصفي التحليلي هو تحليل الدلالات المفهومية لآية الحرث والرد على التشكيكات والانتقادات الموجهة لها ورد ما فيها من خلال اللجوء إلى مستندات عديدة كآية ٢٢٣ من سورة البقرة نفسها، والتفاسير الموجودة للآية المذكورة، وغيرها من

١. طالبة دكتوراه في جامعة الزهراء (ع)، قم. إيران (الكاتب المسؤول). ebrahimi.ly1@gmail.com

٢. أستاذ مساعد علم الاجتماع في مركز أبحاث الحوزة والجامعة. قم. إيران. hbostan@rihu.ac.ir

٣. طالب ماجستير، طالب السطح الثالث في حوزة سفراء الهداية. قم. إيران. dorosti.mahdi1@gmail.com

* إبراهيمي، ليلى؛ بستان، حسين؛ درستي، مهدي. (٢٠٢٢). دلالات تشبيه النساء بالحرث في الآية ٢٢٣ من سورة البقرة بمسلكٍ تحليلي نقدي لآراء المفكرين المعاصرين حولها. مجلة دراسات العلوم القرآنية (فصلية علمية) - محكمة، ٤(١٢)، صص ١٠٥-١٣٣.
DOI: 10.22081/JQSS.2022.64041.1193

القرائن القرآنية والروائية، كي نصل من خلال ذلك إلى النظرة الواقعية للنظام الحقوقي القرآني حول المرأة وماهيتها وحقيقتها وبعد البحث الدقيق والشامل يمكن للمرء أن يلاحظ أنّ ما ورد في هذه الآية لا يخلو من أي انتهاكٍ لحقوق المرأة فقط، بل إنه إنّما يأتي لحماية مكانة المرأة أيضاً. فإذا دققتنا في المقاطع المختلفة لآية الحرث فسوف لن نجد أي شيء يدلّ على التفرقة والتمييز في التقييم بين الجنسين، بل هي من الآيات التي تبين قيمة المرأة وحقيقتها، وذلك لما فيها من التأكيد على دور العلاقة بين المرأة والرجل في إنجاب الأطفال.

المفردات المفتاحية

الحرث، تشبيه النساء بالحرث، الدلالة المفهومية للآية ٢٢٣ من سورة البقرة، التناسل.



دلالت‌های تشبیه زنان به حرث در آیه ۲۲۳ سوره بقره با رویکرد تحلیلی - انتقادی آرای نواندیشان معاصر درباره آن

لیلی ابراهیمی^۱ حسین بستان^۲ مهدی درستی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۲

چکیده

یکی از تعبیرهایی که در قرآن به جنس زن نسبت داده شده، واژه حرث است. آیه ۲۲۳ سوره بقره یکی از مهم‌ترین آیات مربوط به مسئله زن است که فهم درست این آیه تأثیر بسزایی در بازنمایی نگاه قرآن به موضوع زن و نتایج سرنوشت‌ساز آن دارد. در آیه حرث، با تشبیه زنان به حرث از نقش ویژه و انحصاری زنان در تکثیر نسل سخن به میان آمده است؛ اما همین امر باعث تشکیک و انتقاد به نظام حقوقی قرآن نسبت به ماهیت و جایگاه زن شده است. در این آیه، برای «تزیین سخن و رعایت ادب» با آوردن لفظ «حرث» به صورت کنایی به رابطه زناشویی اشاره شده است. هدف از این مقاله که توصیفی - تحلیلی است، تحلیل دلالت‌های مفهومی آیه حرث و پاسخگویی به تشکیک و انتقادهای وارده با تکیه بر مستندات چون خود آیه ۲۲۳ سوره بقره، تفسیرهای موجود از آیه مذکور و قرائن قرآنی و روایی است تا از این رهگذر به دیدگاه واقعی نظام حقوقی قرآن درباره ماهیت و چیستی زن دست یابیم. با بررسی دقیق و همه‌جانبه می‌توان دریافت آنچه در این آیه آمده، نه تنها علیه حق زن نیست، بلکه در جهت حمایت از منزلت زن است. اگر در فرازهای مختلف آیه حرث دقت شود، هیچ دلالتی بر تفاوت ارزش‌گذاری میان دو جنس ندارد، بلکه از آیاتی است که ارزش زن و چیستی او را بیان می‌کند. به این معنا که در آیه به نقش ارتباط زن و مرد در فرزندآوری توجه شده است.

کلیدواژه‌ها

حرث، تشبیه زنان به حرث، دلالت مفهومی آیه ۲۲۳ بقره، تولید نسل.

۱. دانشجوی دکترا، جامعه الزهراء، قم. ایران (نویسنده مسئول). ebrahimi.ly1@gmail.com
۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم. ایران. hbostan@rihu.ac.ir
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، طلبة سطره سه حوزه سفیران هدایت. قم. ایران. dorosti.mahdi1@gmail.com

✳ ابراهیمی، لیلی؛ بستان، حسین و درستی، مهدی. (۱۴۰۱). دلالت‌های تشبیه زنان به حرث در آیه ۲۲۳ سوره بقره با رویکرد تحلیلی - انتقادی آرای نواندیشان معاصر درباره آن. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۱۲(۴)، صص ۱۰۵-۱۳۳.
DOI: 10.22081/JQSS.2022.64041.1193

یکی از مباحث مهم جوامع بشری معاصر، نقش زن و جایگاه او است. قرآن برای تبیین جایگاه زن از کلیدواژه‌های خاصی استفاده کرده که می‌توان با بررسی مفهومی آنها به نقش و جایگاه زن در قرآن و اسلام پی برد. یکی از آیاتی که شبهه فراوان ایجاد کرده و از نظر مخالفان قرآن، با جایگاه و منزلت ارزشی زن تعارض دارد، آیه ۲۲۳ سوره بقره است: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ وَأَتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلْقَوَةٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ زنان شما کشتزار شمایند؛ پس از هر سو و هر وقت که خواستید به کشتزار خود درآیید و (با نیت اکتفاء به حلال در مقابل حرام و طلب فرزندی صالح از این عمل، ثوابی) برای خودتان پیش فرستید و از خدا پروا کنید و بدانید که او را ملاقات خواهید کرد و مؤمنان را مژده بدهد». در این گزاره قرآنی، زن حرث دانسته شده است؛ در حالی که این تعبیر، تعبیری کنایی و استعاری است و کنایی و استعاری بودن تعابیر قرآنی در حوزه مسائل جنسی، بیانگر رعایت اخلاق و عفت کلام است؛ اما فمینیست‌ها این بحث را مانند دیگر مباحث از دریچه نابرابری جنسی دنبال می‌کنند و موقعیت زن را اساساً خدمت بستری و خدمت خانگی قلمداد می‌کنند (بووار، ۱۳۷۹، ص ۲۹۱). ممکن است این طور اشکال شود که آیه مورد بحث، مجوز تجاوز به همسر است؛ چراکه زن را به طور کامل در اختیار مرد قرار داده است؛ البته روایاتی که برخی مفسران در ذیل آیه آورده‌اند و مبنای تفاسیر کنونی است، در ترویج چنین نگاهی به زن بی‌تأثیر نبوده است. تشبیه زنان به مزرعه، ممکن است این سؤال را ایجاد کند که چرا قرآن درباره زنان چنین بیانی فرموده است. آیا این تعبیر نوعی توهین به مقام زن محسوب نمی‌شود؟ پاسخ به این پرسش‌ها، نیازمند ارائه تصویری روشن‌تر از مفهوم آیه مورد بحث است. آنچه در این پژوهش پیش فرض گرفته شده، در درجه نخست، لزوم توجه به دلالت‌های قرآنی و در درجه بعدی توجه به دیگر دلالت‌های عقلی و نقلی است؛ بنابراین در کنار تأمل در آیات قرآن و رجوع به توضیحات مفسران، کوشیده می‌شود به روایات تفسیری نیز توجه کافی شود.

۱. پیشینه پژوهش

تتبع و جستجو در تألیفات نشان می‌دهد در مورد آیه ۲۲۳ سوره بقره دو نوع مقاله نگارش شده است:

۱. «مقاله تحلیل و نقد معنای واژه اُنّی در ترجمه‌های فارسی قرآن (با تأکید بر نقش سیاق در ترجمه)» نوشته محمد مولوی، عبدالله غلامی و مرضیه مهری ثابت در فصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، شماره ۲، سال ۱۳۹۴. این پژوهش، با استناد به نظر لغت‌شناسان به‌ویژه با تأکید بر نقش انواع سیاق در ترجمه، دیدگاه‌های مفسران و فقها و روایات رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام تلاش کرده است معنای صحیح «اُنّی» را در موارد اختلافی تبیین کند.

۲. مقاله «زن در مفاهیم بدیع قرآنی» نوشته اسماعیل منصوری لاریجانی در نشریه مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۳۷۹. در این مقاله آیه ۲۲۳ سوره بقره براساس تفسیر راهنمای آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تبیین و بررسی شده است.

در عین حال تا کنون به‌طور مستقل در مورد تبیین دلالت‌های تشبیه در این آیه، تحقیقی صورت نگرفته است. به همین دلیل تلاش می‌شود در این پژوهش ابتدا مفهوم تشبیه زنان به حرث در سیاق آیه تبیین و سپس شبهات موجود در این زمینه بررسی می‌شود تا مقصود آیه بهتر روشن شود. این پژوهش حاوی چنین رویکردی است.

۲. مفهوم‌شناسی

از آنجا که مفهوم‌شناسی کلمات، نقش اساسی در فهم مقاصد خداوند از آیات قرآن دارد، واژه‌های «دلالت»، «تشبیه»، «حرث»، «اُنّی» و «نواندیشان» به‌دقت مفهوم‌شناسی می‌شوند:

۱-۲. دلالت

واژه «دلالت» مصدر و به معنای چیزی است که به وسیله آن، شناخت چیز دیگر حاصل می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۱۶). بعضی گفته‌اند «دلالت» آن چیزی است که

لفظ هنگام اطلاقش آن را اقتضا می کند (فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۱۹۹). در اصطلاح، دلالت «بودن چیزی به حالتی است که وقتی انسان بدان آگاه شد، ذهن او به وجود چیز دیگری منتقل می شود» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۳۱۲). جرجانی دلالت را نوعی معادله ارتباطی دانسته که از طریق یک شیء، علم به چیز دیگر حاصل می شود و در تعریف دلالت می نویسد: «هی کون شیء بحالة یلزم من العلم به، العلم بشیء آخر و الشیء الاول هو الدال، والثانی المدلول» (حیدر، ۲۰۰۵، ص ۱۱).

علمای منطقی دلالت را سه گونه دانسته اند: الف) دلالت ذاتی یا عقلی که هر انسان خردمندی با عقل خویش آن را درک می کند، مانند دلالت اثر بر مؤثر (دود بر آتش). برابر نگرش قرآن، چنان که اقتضای برهان عقلی نیز این است، تمام پدیده های عالم هستی آیت خداوند و نشان صفات و افعال اویند. ب) دلالت طبیعی مانند دلالت آخ بر درد. ج) دلالت وضعی مانند دلالت لفظ درخت بر معنای حقیقت آن. دلالت وضعی نیز دو گونه است: لفظی، مانند لفظ انسان بر معنای آن و غیرلفظی مانند تابلوها، خط کشی ها و تصویرها (سعیدی روشن، ۱۳۸۳، ص ۱۳). دلالت وضعی گونه های متعددی دارد:

۱. دلالت الفاظ بر معانی سه نوع است: الف) دلالت مطابقی: کلمه ای گفته شود و همه معنا و مدلول آن منظور باشد؛ ب) دلالت تضمینی: کلمه ای گفته شود و جزئی از معنای آن منظور باشد. ج) دلالت التزامی: کلمه ای گفته شود و مقصود از آن نه همه معنا و نه جزئی از آن، بلکه یکی از لوازم خارجی آن منظور باشد (فضایی، بی تا، ص ۳۲).

۲. دلالت های کلام به چهار دسته تقسیم می شوند:

الف) دلالت اقتضا: دلالت کلام بر معنایی است که گوینده، لفظی برای آن ذکر نکرده، ولی به لحاظ اینکه صدق یا صحت عقلی یا شرعی یا لغوی کلام بر آن متوقف است، بی تردید مقصود گوینده است.

ب) دلالت تنبیه و ایما: دلالت کلام بر معنایی است که گوینده لفظی برای آن ذکر نکرده و صدق یا صحت کلام نیز بر آن متوقف نیست، ولی کلام دارای قرینه ای است که دلالت می کند گوینده آن معنا را نیز اراده کرده است.

ج) دلالت اشاره: دلالت کلام بر لوازم بین به معنای اعم و لوازم غیر بین معنای مطابقی کلام است.

د) دلالت مفهومی کلام: دلالت کلام بر معنایی است که از لفظ کلام فهمیده نمی‌شود و از معنا و مفهوم لفظ به دست می‌آید (بابایی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۲۹۹).
گفتار حاضر بر آن است تا صنعت ادبی موجود در آیه ۲۲۳ سوره بقره را از حیث دلالت ضمنی تحلیل کند و به این موضوع پردازد که متکلم از تشبیه در این آیه، چه مقصود و مفهومی را اراده کرده است.

۲-۲. تشبیه

تشبیه از ماده «شبه» به معنای مثل است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۵۰۳). تشبیه شیء به شیء عبارت است از قراردادن و جانشین کردن یک شیء در مکان شیء دیگر به دلیل صفت جامعی که بین آن دو هست و این صفت ممکن است ذاتی باشد یا معنوی (فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۳۰۳)؛ به عبارت دیگر تشبیه عبارت است از مشارکت دادن امری با امر دیگر در معنایی و ملحق کردن چیزی به چیز دیگر در یکی از صفات مشهورش (هاشمی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۱۲). در زبان عربی برای تلطیف و تأثیرگذاری سخن از قالب‌های بیانی استفاده می‌شود. فضل الله می‌نویسد: «ویژگی زبان عربی این است که دلالت الفاظ بر معانی در این زبان از لحاظ وضوح و خفا بسته به موارد نیاز که معنای حقیقی اراده شود یا مجازی، متنوع و متفاوت است و عناوین مختلفی چون استعاره و کنایه که در روش بلاغت باعث زیبایی و شیرینی و تحرک هنری سخن می‌شود، در آن به کار رفته است» (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۲۲۴). یکی از ابعاد مهم اعجاز قرآن هم، اعجاز بیانی آن است و علم بیان در کشف مراد جدی آیات قرآن، نقش بسزایی دارد. در قرآن، همانند شیوه رایج در زبان عربی، گاه مطالب در قالب تشبیه و کنایه، تمثیل و استعاره طرح شده است تا شنونده را به تفکر وادارد و از این رهگذر بتواند موضوع مورد نظر را بهتر در ذهن مخاطب جا بیندازد. تشبیه یکی از پرسامدترین اسلوب‌های بیانی و ادبی است که قرآن از آن به منظور تبیین مفاهیم برای مخاطب استفاده کرده است. ظاهر آیه «نَسَاؤُكُمْ

حَرْث لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أُنَى شَيْئُمْ» بیانگر آن است که از باب تشبیه، زن را به کشتزار تشبیه کرده است؛ زیرا برای بهره‌وری مناسب از زمین، باید قبل از کشت، شرایط لازم آن فراهم باشد. ارکان تشبیه در آیه گفته شده به این صورت است: «نساءکم کحَرْث لکم»؛ مشبه: نساء؛ مشبه به: حَرْث؛ وجه شبه: باروری و سودمندی؛ البته در این آیه، وجه شبه به صراحت ذکر نشده است؛ ولی از سیاق آیه می‌توان به آن پی برد: زنان شما موضع و محل کشت اولاد هستند. ادات تشبیه: محذوف. بعضی گفته‌اند: جمله کامل تشبیه این گونه است: «وطء نساءکم کالحَرْث لکم» (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۴۲۸). بعضی هم تشبیه را چنین ذکر کرده‌اند: «نساءؤکم مثل حروث لکم» (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۹۲).

۲-۳. حَرْث

لغت‌شناسان معانی مختلفی را برای واژه حَرْث ذکر کرده‌اند. گروهی واژه حَرْث را به معنای زرع در نظر گرفته‌اند (جوهری، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۷۹؛ ابن‌درید، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۴۱۶؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۹؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۳۴؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۹۴). به نظر می‌رسد این معنا دقیق نیست؛ زیرا میان واژه حَرْث و واژه زرع تفاوت وجود دارد. خداوند می‌فرماید: «أَفْرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ * أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ؟ آیا چیزی را که می‌کارید دیده‌اید؟ آیا شما می‌رویانیدش یا ما رویاننده‌ایم؟» (واقع، ۶۳-۶۴). گفته شده است منظور از حَرْث در این آیات پاشیدن بذر در زمین و آماده کردن زمین است و مراد از زرع، رویاندن و رشد و نمو کردن است (حقی برسوی، بی‌تا، ج ۹، ص ۳۳۲). در این آیات واژه‌های حَرْث و زرع در کنار هم ذکر شده‌اند و این بیانگر تفاوت معنایی آنها است. فرق آنها در این است که «حَرْث»، کاشتن دانه‌ای از طعام در زمین است؛ اما «زرع» رویاندن نبات است تا زمانی که به بلوغ برسد. خداوند در آیه، فعل «حَرْث» را به انسان نسبت داده و کار «زرع» را به خودش منتسب فرموده است (عسکری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۸۱). در روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز گزارش شده است: «لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ زَرَعْتُ وَ لَيْقُلَنَّ: حَرَّثْتُ؛ کسی از شما نگوید رویاندم، بلکه بگوید کاشتم» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۱۲۷). برخی در تفاوت حَرْث و زرع نوشته‌اند: زمین و محلی که در آن بذر پاشیده

می‌شود، حرث می‌گویند و آن حاصلی که از زمین روئیده می‌شود، زرع می‌نامند (امین، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۰). برخی نیز گفته‌اند: حرث به معنای پاشیدن بذر در زمین و آماده کردن زمین برای کشت و زرع آمده است و خود زمین و زراعت را هم حرث می‌گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۶). بعضی نیز حرث را به معنای کار در زمین کشاورزی و کاشتن گزارش کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۳۴).

۲-۴. واژه «آئی»

بیشتر لغت‌شناسان برای آن سه معنا ذکر کرده‌اند:

الف) اسم مکان به معنای «آین»: گروهی این معنا را اولین و اصلی‌ترین معنا برای آن گزارش کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۴۳۷؛ جوهری، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۵۴۵).

ب) اسم استفهام به معنای «کیف، هر شکل، هر گونه» (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸، ص ۳۹۹؛ جوهری، بی‌تا، ج ۶، ص ۲۵۴۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۹۵).

ج) اسم استفهام به معنای «متی، زمان» (ازهری، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۳۹۶).

از آنجا که واژه «آئی» از نظر لغت دارای سه معنای زمان، مکان و کیفیت است، از الفاظ مشترک لفظی است و در مشترک لفظی برای تعیین معنا نیاز به قرینه معینه است.

۲-۵. نواندیشان

نواندیشی به معنای از نو درباره مسائل فکر کردن است؛ یعنی افراد به پژوهش‌ها و نظریه‌های گذشتگان اکتفا نکنند و در صدد باشند از طریق بازاندیشی در افکار پیشینیان بر مبنای مقدمات یقینی‌تر و به کار بردن روش صحیح‌تر، به نتایج نو و جدید دست یابند (عابدینی، ۱۳۸۸، ص ۷). رویکردهای متفاوتی درباره مفهوم اصطلاح «نواندیشان دینی» وجود دارد؛ اما منظور از این اصطلاح در این نوشتار کسانی‌اند که گزارشی از دین درباره مسائل جدید ارائه می‌کنند؛ ولی اندیشه‌هایشان به صورت روشمند و بر پایه اجتهاد شیعه نیست. نظریات این افراد متأثر از افکار و آرای دانشمندان غربی است؛ برای مثال محمد شحرور، دکتر سحا، عبدالکریم سروش و مجتهد شبستری از قرآن‌پژوهان نواندیشی

هستند که بیشتر نظریات قرآنی و دینی آنها بر پایه داده‌های جدید علوم انسانی غرب و علوم تجربی استوار است.

۳. تبیین مفاد آیه حرث

از نظر آیات قرآن، مانند آیه ۱۳ سوره حجرات (يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَاهُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ)، زن و مرد از نظر هویت و جایگاه انسانی مساوی و برابر هستند و هیچ برتری و امتیازی برای هیچ فردی، به جز تقوا و اطاعت از فرمان‌های خداوند متعال در نظر گرفته نشده است. در عین حال، به اقتضای برخی تفاوت‌های طبیعی و بیولوژیک، مجموعه‌ای از تفاوت‌های جنسیتی که فاقد هرگونه بار ارزشی‌اند، بین زن و مرد مفروض گرفته شده‌اند. تفاوت زن و مرد در قابلیت تولید مثل و نیازها و امیال جنسی مهم‌ترین تفاوت‌هایی هستند که در آیات قرآن به آنها اشاره یا تصریح شده است. مفهوم «تشبیه زنان به حرث» برگرفته از آیه ۲۲۳ سوره بقره است: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَثْوَأُ حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلْقَوَةٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ؛ زنان شما کشتزار شمايند؛ پس از هر سو و هر وقت که خواستید به کشتزار خود در آييد و (با نيت اکتفا به حلال در مقابل حرام و طلب فرزندی صالح از این عمل، ثوابی) برای خودتان پیش فرستید و از خدا پروا کنید و بدانید که او را ملاقات خواهید کرد و مؤمنان را مژده بده». این آیه یکی از آیات الاحکام (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۷۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۳۵) و دارای چهار محور است: ۱. تشبیه زنان به حرث: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ»؛ ۲. جواز ارتباط جنسی با زنان: «فَأَثْوَأُ حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ»؛ ۳. هدف از ارتباط جنسی: «قَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ»؛ ۴. تجاوز نکردن از حدود و قوانین شرعی حتی در روابط همسری: «اتَّقُوا اللَّهَ». خداوند در این گزاره، بحثی اخلاقی مطرح می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۳۵) و بر رعایت حق زوجه تأکید می‌کند (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۶۷). در قسمت‌های زیر به تبیین مفهوم آیه گفته‌شده می‌پردازیم.

۱-۳. کاربردهای حرث در قرآن

قرآن واژه‌های مربوط به افعال جنسی را به صورت کنایی و در کمال ادب و حیا بیان کرده و غالباً از تعابیر و واژه‌هایی استفاده کرده که مختص به مسائل جنسی نیستند و کاربردهای دیگری هم در کلام عرب دارند؛ برای مثال کلمه «حرث» که یکی از کاربردهای آن کنایه از روابط زناشویی و جنسی است، ۱۴ بار در ۱۱ آیه قرآن با مشتقاتش ذکر شده است. واژه حرث در بعضی آیات در معنای حقیقی و در بعضی دیگر در قالب تشبیه به کار رفته است:

الف) محصول: واژه حرث در آیه «أَنْ اَعْدُوا عَلٰی حَرْثِكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ» (قلم، ۲۲)، برداشت محصول دانسته شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۳۹۵). بعضی نیز آن را به معنای «ثمر» گرفته‌اند (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۳، ص ۴۹).

ب) نتیجه: گروهی واژه حرث را در آیه «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا» (شوری، ۲۰) به معنای نتیجه و پاداش معنا کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۸، ص ۴۰؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۷۶۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۷۹) و گروهی هم «حرث الدنيا» را به معنای متاع مطرح کرده‌اند (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۷۳).

ج) زرع: اکثر مفسران واژه حرث را در آیه ۱۱۷ سوره آل عمران به زرع معنا کرده‌اند. در این آیه اموال انفاق شده به دست کافران، به باد سوزانی تشبیه شده که حرث را نابود می‌کند: «مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ وَ مَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ لَكِنْ أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ؛ مَثَلُ آنچه [آنان] در زندگی این دنیا خرج می‌کنند، همچون مثل بادی است که در آن، سرمای سختی است که به کشتزار قومی که بر خود ستم کرده‌اند، بوزد و آن را تباہ سازد و خدا به آنان ستم نکرده، بلکه آنان خود بر خویشان ستم کرده‌اند» (بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۴۹۷؛ نعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۳۳؛ حقی برسوی، بی تا، ج ۲، ص ۸۳). همچنین گفته شده است منظور از واژه حرث در آیه ۱۳۸ سوره انعام به معنای نوعی از زرع و کشت است: «وَ قَالُوا هٰذِهِ

أَنْعَامٌ وَ حَرْثٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَأَ بِرِعْمِهِمْ وَأَنْعَمٌ حَرَمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَمٌ لَا يَدْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ؛ و به زعم خودشان گفتند: اینها دام‌ها و کشتزار [های] ممنوع است، که جز کسی که ما بخواهیم نباید از آن بخورد، و دام‌هایی است که [سوار شدن بر] پشت آنها حرام شده است و دام‌هایی [داشتند] که [هنگام ذبح] نام خدا را بر آن [ها] نمی‌بردند به صرف افترا بر [خدا] به زودی [خدا] آنان را به خاطر آنچه افترا می‌بستند جزا می‌دهد» (انعام، ۱۳۸؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۸۶).

۳-۲. تبیین دلالت‌های تلویحی و ضمنی در عبارت «نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ» از دیدگاه مفسران

آیات قرآن با فنون و صنایع ادبی، خصوصی‌ترین مسائل انسان‌ها مانند رابطه جنسی را مطرح می‌کند، در حالی که از قلمرو ادب خارج نشده است. راغب اصفهانی در مفردات درباره تعابیر قرآنی می‌گوید: «تمامی الفاظی که عمل زناشویی را افاده می‌کند، کنایات است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۲۳). قرآن با اشاره‌ای زیبا درباره رابطه همسری در آیه ۲۲۳ سوره بقره سخن گفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۴۰). واژه کلیدی در آیه ۲۲۳ سوره بقره واژه «حَرْثٌ» است که مفسران دو معنا برای آن گزارش کرده‌اند:

الف) مزرعه یا کشتزار (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۴۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۶۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۴۰؛ شبر، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۲۴؛ حقی برسوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۷).

ب) جایگاه و محل تولد فرزند (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۴۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۹۳؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۱۹۲؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۳۴۵).

اما از نظر بلاغی و ادبی چهار وجه و تصویر برای این عبارت بیان شده است که هر کدام، از یک بُعد با دلالت‌های عقلی، معنا را می‌رسانند؛ برای نمونه تصویر تشبیه، گونه‌ای از مثل است که در قالبی محسوس و قابل درک معنا را می‌رساند (نقی‌پورفر، ۱۳۸۱، ص ۲۹۲) یا در مجاز، فقط معنای مجازی از عبارت اراده می‌شود؛ ولی در کنایه می‌توان معنای کنایی و معنای حقیقی را هم اراده کرد (بابایی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۱۷).

وجه اول: تشبیه^۱ (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۶۴؛ شبیانی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۹۵؛ ابویان، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۴۲۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۳۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۶، ص ۴۲۱؛ ابن جزری، ۱۴۶۶، ج ۱، ص ۱۲۱؛ سبزواری، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۶۹). تشبیه موجود در آیه، یکی از بهترین تشبیه‌های قرآن و همچنین از شیواترین، کوتاه‌ترین و دقیق‌ترین تعابیر برای بیان معنا است (شبیانی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۹۵؛ سبزواری، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۲۶۹). در ارتباط با تشبیه زنان به مزرعه در این آیه، میان مفسران تقریرهای مختلفی وجود دارد. ابن عاشور می‌گوید: تشبیه «نساء» به «حرث» یک تشبیه لطیفی است، مثل تشبیه «نسل» به «زرع» که در خطبه‌ای که حضرت ابوطالب رضی الله عنه هنگام ازدواج حضرت خدیجه رضی الله عنها با پیامبر صلی الله علیه و آله خوانده، آمده است: «الحمد لله الذي جعلنا من ذرية إبراهيم و زرع إسماعيل» (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۵۳). بعضی گفته‌اند: تشبیه نساء به کشتزار به سبب این است که زن محل قرار گرفتن نطفه است و نطفه به منزله بذر است که در رحم زن کشت می‌شود و فرزندی حاصل این بذر است. علاوه بر این، محل انتفاعات و تمتعات و التذاذات دیگر نیز هست، بلکه معین و یاور در امور زندگی و انیس و همدم آدمی در هر حالی است (طیب، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۴۶). روشن است قرآن زن را از آن جهت شبیه کشتزار قرار داده که تا کشتی در آن انجام نشود، به تنهایی ثمره‌ای ندارد. همچنان که در زمین هم اگر کشت نشود، زمین بی‌ثمر می‌ماند و همه بشر از گرسنگی می‌میرند. اگر مرد در زن کشت نکند، نسل بشر منقرض و نابود می‌شود. بعضی منظور خداوند از این تشبیه را اشاره به هدف نهایی ازدواج که نه فقط در اطفای شهوات و نیازهای جنسی، بلکه حفظ حیات اجتماعی و بقای نسل انسانی است، می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۴۱). از نظر بعضی نیز، اطلاق کشتزار بر زنان، مؤید این نکته است که مرد نیز مانند کشاورز باید آداب و شرایطی را مراعات کند تا محصولی خوب

۱. گفته شده حمل کلام در این آیه بر تشبیه مفرد، موجب تکلف می‌شود. احتمال دارد منظور تشبیه مرکب باشد. به این صورت که هیتی از مجموع مرکب از نساء و نطفه به هیتی از مجموع مرکب از بذر، محل کشت و کشت تشبیه شده است؛ در تشبیه مرکب دیگر تکلف وجود ندارد (قونوی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۲۲۳). بعضی هم شکل‌های این تشبیه مرکب را چنین بیان کرده‌اند: «المرأة كالأرض، و النطفة كالبذر، و الولد كالنبات الخارج» (زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۹۷).

(فرزند صالح) به دست آورد (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۰۴). علامه طباطبایی علاوه بر نکات تفسیری به ظرافت تشبیهی که در آن به کار رفته است، اشاره کرده، می نویسد: «نسبت زنان به جامعه انسانی همانند کشت و زرع و کشتزار است، به گونه‌ای که بدون آن حیات بشری ممکن نیست. بشر برای ادامه حیات خویش و به وجود آمدن نسل‌های بعدی به زن نیاز دارد؛ چرا که خداوند پیدایش آدمی را در رحم زن قرار داد و از سوئی مرد را علاقه‌مند به زن قرار داد و میان آنها مودت و رحمتی توأم با عشق و علاقه آفرید و با آمیزش این دو صنف است که نوع بشر به حیات خویش ادامه می‌دهد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۱۹). برخی مفسران معاصر، تشبیه زن به مزرعه را تشبیهی مطابق با خلقت زن دانسته که در آن تمام اندام و توانایی‌های درونی و بیرونی زن درباره رحم و توانایی فرزندپروری او شکل گرفته است (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۳۴). سید قطب معتقد است تعبیر «حرث» در آیه ۲۲۳ سوره بقره اشاره به تولید نسل و بقای نوع بشر دارد (قطب، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۴۲). برخی گفته‌اند عبارت «أُنْبَتَهَا نَبَاتاً حَسَنًا» (آل عمران، ۳۷) در داستان حضرت مریم به نکته لطیفی اشاره دارد و آن اینکه کار خداوند، انبات و رویانیدن است؛ یعنی همان گونه که در درون بذر گل‌ها و گیاهان استعدادهایی نهفته هست، در درون وجود آدمی و اعماق روح و فطرت او نیز همه گونه استعدادهای عالی نهفته شده است که اگر انسان خود را تحت تربیت مریبان الهی قرار دهد، به سرعت پرورش می‌یابد و آن استعدادهای الهی او آشکار می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۲۶). این آیه به خوبی می‌فهماند که مرد نمی‌تواند هر گونه که دلش خواست در امور زناشویی با زن رفتار کند. آیه با این تعبیر، جایگاه زن و ضرورت وجود او را در جامعه مطرح و بیان می‌کند که زن صرفاً ابزاری برای دفع شهوت جنسی نیست، بلکه یکی از دو رکن اساسی برای حفظ نسل بشری است.

وجه دوم: استعاره تمثیلیه (قنوی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۲۲۳). آیه «نِسَاءُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ» استعاره تمثیلیه است؛ زیرا در استعاره تمثیلیه ذکر رکن اصلی، کفایت می‌کند و ذکر کردن مجموع الفاظ تشبیه شرط نیست. در این آیه نیز آنچه مقصود است، واژه حرث است که برای همه آشنا است و همه آن را می‌شناسند. ذکر کردن دو طرف در استعاره زمانی

که تشبیه فهمیده نشود، جایز است، مثل شعر: «قد زرا زراره علی القمر» (فونوی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، صص ۲۲۳-۲۲۴).

وجه سوم: مجاز (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص ۲۶۶؛ نسفی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، صص ۱۷۶). طبری گفته است: «حرث» در اینجا به معنای مزرعه است که مجازاً از باب تسمیه سبب به اسم مسبب است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲، صص ۲۳۲)؛ یعنی قرآن مجازاً به زنان، اطلاق زمین کشاورزی می‌کند، به این سبب است که بگویند همان‌گونه که با زمین کشاورزی خود رفتار می‌کنید و هر آنچه در زمین خود بکارید برداشت می‌کنید، زنان شما نیز مانند زمین کشاورزی هستند.

وجه چهارم: کنایه (ابوعبیده، ۱۳۸۱، ج ۱، صص ۹۳). گفته شده است کشتزار نامیدن زنان، کنایه از این است که زنان برای فرزندانشان مانند زمین برای زراعت هستند (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، صص ۱۴۷). بعضی هم معتقدند که حرث کنایه از نکاح است (ماوردی، بی‌تا، ج ۱، صص ۲۸۴).

۳-۳. بررسی و نقد شبهه برآمده از این تشبیه

درباره آیه مورد بحث، شبهه و سؤالی مطرح شده است که در ادامه بررسی و نقد می‌کنیم.

۳-۳-۱. تبیین اصل شبهه

آرا و نظریاتی که نواندیشان معاصر در مورد آیه مطرح کرده‌اند و باعث ایجاد شبهه و تشکیک شده است، در عبارت‌ها و تقریرهای مختلفی بیان شده است. برخی شبهه‌افکنان، تشبیه قرآنی «نَسَأُكُمْ حَرْثًا لَكُمْ» و کیفیت ارتباط جنسی با زن «فَأَنْتُمْ حَرْثُكُمْ» را دلیلی بر منزلت و جایگاه پایین زنان در قرآن جلوه می‌دهند که او را در حدّ یک ابزار جنسی و شهوانی برای تأمین خواسته‌های مرد، تنزل می‌دهد و نگاه آیه به زن، جنسی است. مسئله‌ای که باعث این شبهه شده است که آیا کشتزار یا محل بذرافشانی نامیدن زنان، توهین در حق زنان نیست. برخی نوشته‌اند: زن حتی زمانی که با آزادی

ظاهری هم رفتار می‌کند، باز هم برده است و مرد ارباب او است (بووار، ۱۳۷۹، ص ۳۴۱)؛ به این معنا که آیه مورد بحث، رابطه جنسی را یک‌طرفه و به سود مرد می‌داند و زن را وسیله ارضای مرد قرار داده است. تصویری که این آیه از زن به مخاطب می‌دهد، تصویری بسیار مادی و خالی از برتری ارزشی است. وقتی گفته می‌شود که زن کشتزار شوهر خود است، عرف از آن چنین می‌فهمد که موضوع کاشت و برداشت در این کشتزار به شوهر واگذار شده است و این کشتزار، کامل در اختیار اوست؛ در نتیجه زن حق ندارد او را از آن بازدارد. از نگاه این جریان، این آیه اهانت به زن است و او را در مقام یک شیء بی‌جان یا صرفاً برای تولید مثل معرفی کرده است (https://www.x-shobhe.com/shobhe/3359).

۳-۲-۲. نقد و پاسخ شبیهه

تفاوت زن و مرد در قابلیت تولید مثل و همچنین منشأ طبیعی این تفاوت، موضوع بدیهی و آشکاری است که آیه مورد بحث بر آن دلالت دارد. در این آیه می‌فرماید زن مانند زمین حاصل‌خیزی است که انسان محصول اوست.

الف) عدم فهم ماهیت و چیستی تشبیه: این تصورات و آراء، به دلیل نفهمیدن چیستی تشبیه است؛ زیرا اولاً تشبیه برای یکی دانستن دو چیز نیست، بلکه برای وجود یک وجه شباهت است؛ مثلاً اگر گفته شود فلانی مثل شیر است، منظور شباهت در شجاعت است نه آنکه آن شخص مثل شیر عقل ندارد. شبهه‌افکنان معمولاً دچار این مغالطه شده و از بیان یک وجه شبه، معنای انحصاری برداشت می‌کنند؛ به این معنا که تمام حقیقت زن و کنه آن همین است؛ درحالی‌که برای فهم چیستی زن باید همه جنبه‌های وجودی زن را از مجموع آیات و روایات استنباط کرد. از جمله اینکه قرآن زن و مرد را لباس (بقره، ۱۸۷) و مایه سکون و آرامش یکدیگر (روم، ۲۱) معرفی کرده است؛ ثانیاً احتمال دارد آیه در کنار فرزندآوری مطالبی دیگری نیز بیان کرده باشد که بیان آنها در قالب این تشبیه، برای رعایت ادب بوده است. به‌طور کلی آیه مورد بحث، حدود روابط را برای زن و شوهر در قالب سر بسته بیان کرده و در پایان برای همین امر،

انگیزه‌های انسانی «قَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ» در نظر گرفته است که منظور صاحب فرزند صالح شدن است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۶۵؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۲۰)؛ زیرا هدف خداوند از بقای نوع بشر در زمین بقای دین او و ظهور توحید و پرستش او است؛ همچنان که می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات، ۵۶). پس مقصود از جمله «قَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ» این است که با فرزندآوری و آمدن افرادی جدید به روی زمین ذکر خدای سبحان در زمین باقی بماند و افراد صالحی دارای اعمال صالح پدید آیند، تا خیراتشان هم نصیب خودشان شود و هم نصیب پدرانی که باعث پدید آمدن آنان شدند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۲۰).

ب) نگاه جامع به تمام آیات قرآن و روایات: قرآن مجموعه‌ای به هم پیوسته و مرتبط است، نه مجموعه‌ای از هم گسسته. برداشتن تنها قسمتی از آیه و نقد کردن آن بدون توجه به قبل و بعد آن آیه منطقی نیست. اینکه گفته شده جمله «فَأْتُوا حُرُوكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ» رابطه جنسی را یک طرفه و به سود مرد می‌داند و زن را وسیله ارضای مرد قرار داده است، در سه محور قابل بررسی و پاسخگویی است:

۱. توجه به سیاق در تبیین مفهوم کلمه «أَنَّى»

همان گونه که در مفهوم‌شناسی گفتیم کلمه «أَنَّى» به معنای «متی»، «أَیْنَ» و «کیف» به کار می‌رود؛ ولی در آیه «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأْتُوا حُرُوكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ» مقصود «متی» است (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۵۹۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۱۸). برخی گفته‌اند واژه «أَنَّى» در عبارت «أَنَّى شِئْتُمْ» دلالت بر مطلق زمان می‌کند و اگر دلالت بر مکان می‌کرد، باید عبارت این گونه بود: «أَیْنَ شِئْتُمْ» (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۳۴۵). گروهی هم گفته‌اند که «أَنَّى» از اسماء شرط است و غالباً به معنی «متی» به کار می‌رود و در این صورت آن را «أَنَّى» زمانیه می‌گویند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۴۱). برخی در تبیین دلالت «أَنَّى» بر مفهوم زمان، گفته‌اند به دلیل اینکه است که خداوند در آیه قبل، زمان ارتباط جنسی با همسران را ذکر کرده است: «وَ یَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِضِ قُلْ هُوَ أَذًی فَاعْتَرَلُوا النِّسَاءَ فِی الْمَحِضِ وَ لَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى یَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَیْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ

التَّوَابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (بقره، ۲۲۲)؛ از این رو می‌توان گفت در آیه بعد، عبارت «فَأُتُوا حَزَنُكُمْ أُنِّي شَيْئًا» به این معناست که هر زمان که بخواید می‌توانید با آنان ارتباط داشته باشید (خوئی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۳۱). روشن است که سیاق کلام دو آیه ۲۲۲ و ۲۲۳ سوره بقره اقتضا می‌کند «أُنِّي» در آیه مذکور ناظر به حکم زمانی باشد. بعضی گفته‌اند: این آیه به دنبال آیه ۲۲۲ آمده است و به منزله بیان و شارح وجه حکمت در آیه قبل است که خداوند حالت حیض را در زنان، برای حفظ بقای نوع بشری قرار داده است (مراغی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۵۸). برخی مفسران گفته‌اند دو آیه ۲۲۲ و ۲۲۳ سوره بقره، مانند آیات اول و دوم سوره مائده است. آیه اول سوره مائده صید در حال احرام و در حرم را ممنوع کرده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ». بر اساس این آیه، افراد مُحْرِم نباید هنگام احرام، صید انجام بدهند. سپس آیه بعد به صید در غیر حال احرام و در غیر حرم امر کرده است: «وَ إِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا»؛ معنای امر در آیه دوم چنین است: تا زمانی که در احرام هستید، صید کردن جایز نیست؛ ولی وقتی که از این حالت خارج شدید، می‌توانید صید کنید؛ یعنی امر دلالت بر اصل جواز می‌کند نه بر وجوب. دو آیه ۲۲۲ و ۲۲۳ سوره بقره نیز همین گونه هستند؛ یعنی در حال حیض، مباشرت مرد با زن ممنوع است و امر در جمله «فَأُتُوا حَزَنُكُمْ أُنِّي شَيْئًا» بر رفع ممنوعیت و بر جواز دلالت می‌کند (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۵۳). زمخشری هم می‌گوید: منظور عبارت «فَأُتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَ كُمْ» (بقره، ۲۲۲) این است که جایگاهی که خداوند جهت ارتباط جنسی فرمان داده، همان جایگاه کشت است و دلالت می‌کند بر اینکه هدف اصلی در ارتباط جنسی تولید نسل است، نه قضای شهوت. پس از موضعی با زنان ارتباط جنسی برقرار کنید که برای همین هدف مقرر شده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۶۶). کسانی که گفته‌اند «أُنِّي» در آیه به معنای «این» است، یعنی به معنای مکان است، آیه را مطلق معنا نکرده‌اند و گفته‌اند: پس اینکه می‌فرماید چون از زمان حیض پاک شدند از جای مُجَاز با آنها ارتباط جنسی برقرار کنید، پس این محل مجاز، نمی‌تواند جایی جز راه طبیعی زناشویی که وسیله حفظ نسل است باشد و کلمه حرث قرینه قاطعه این مطلب است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۳۴). صرف

نظر از این نکته، در منابع شیعه و اهل سنت، روایاتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام گزارش شده که از دخول در مقعد همسر نهی کرده و آن را حرام دانسته‌اند. مانند روایات زیر:

امام باقر علیه السلام به نقل از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَحَاشُ النِّسَاءِ عَلَى أُمَّتِي حَرَامٌ؛ پشت زنان، بر (مردان) امت من حرام است» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۴۱۶). ابوهریره از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى رَجُلٍ جَامَعَ إِمْرَأَتَهُ فِي ذُبْرِهَا» (ابن حنبل، بی تا، ج ۲، ص ۳۴۴)؛ ترمذی نیز از ابوهریره روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ أَتَى حَائِضًا فِي فَرْجِهَا أَوْ إِمْرَأَةً فِي ذُبْرِهَا أَوْ كَاهِنًا فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ» (ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۹۰). ابوهریره همچنین روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مَلْعُونٌ مَنْ أَتَى إِمْرَأَةً فِي ذُبْرِهَا؛ هر که با زنی از طریق دبر مجامعت نماید، ملعون است» (ابن حنبل، بی تا، ج ۲، ص ۴۷۹). در این زمینه روایاتی نیز داریم که از آنها اجازه این عمل در صورت رضایت زن، فهمیده می‌شود؛ ولی با توجه به کثرت روایات ناهیه و شهرت فتوایی، کراهت شدید این عمل ثابت می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۱۰۳؛ خمینی، بی تا، ج ۳، ص ۴۳). برخی فقها نیز انجام این عمل را حرام می‌دانند (شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۶۲، ص ۳۱۵).

۲. دلیل روایی

در دو روایتی که از امام صادق علیه السلام گزارش شده، کلمه «أَنِّي» در مفهوم زمان به کار رفته است: «قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فَأْتُوا حَزَنَتَكُمْ أَنِّي سِئْتُمْ» أَيْ مَتَى سِئْتُمْ فِي الْفَرْجِ وَ الدَّلِيلُ عَلَى قَوْلِهِ فِي الْفَرْجِ قَوْلُهُ تَعَالَى «نِسَاءُكُمْ حَزَنٌ لَكُمْ» فَالْحَرْثُ الزَّرْعُ فِي الْفَرْجِ فِي مَوْضِعِ الْوَلَدِ» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۷۳) و «قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: «أَنِّي سِئْتُمْ» أَيْ سَاعَةَ سِئْتُمْ» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۱۱). منظور از هر دو روایت این است که هر زمانی که خواستید با زنان رابطه جنسی برقرار کنید.

۳. لزوم توجه به معاشرت معروف در روابط جنسی

افزون بر موارد بالا، آیات قرآن دارای گزاره‌های فراوانی درباره معاشرت به معروف

با زنان است؛ برای نمونه در آیه ۱۹ سوره نساء می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا... وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُنَّ شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید... و با آنها به شایستگی رفتار کنید و اگر از آنان خوشتان نیامد، پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد». مفهوم «معاشرت به معروف» در این آیه، به معنای رفتاری شایسته دارای گستره و دایره وسیعی است که مصداق‌های فراوانی را در برمی‌گیرد؛ همان‌طور که مفهوم مخالف آن بسیار وسیع و گسترده است و هرگونه رفتار ناشایست (تجاوز به زن) را که به آسیب بدنی یا روانی منتهی شود، شامل می‌شود (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۱۳). به این معنا که به موجب قاعده نفی ضرار «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۵، ص ۴۲۹)، نباید رابطه جنسی شوهر با زن، مصداق ضرر رساندن به زن باشد. براساس قاعده نفی حرج «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج، ۷۸) هم اگر زن بر اثر رابطه جنسی با شوهر به مشقت و سختی شدید بیفتد، او می‌تواند با مراجعه به حاکم شرع شوهر را به تغییر رفتار وادار کند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۲۰۷؛ خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۰۶).

نتیجه‌گیری

قرآن به‌عنوان کتاب هدایت و اصلاح از همه گونه‌های گفتاری برجسته و تأثیرگذار در انتقال پیام خویش بهره گرفته است. تشبیه از زیباترین و مؤثرترین موضوعات است که در علم بلاغت دارای جایگاه ویژه‌ای است. قرآن ضمن تأکید بر تشابه کامل زن و مرد در هویت و جایگاه انسانی، بر تفاوت‌های زن و مرد در قابلیت تولید مثل در آیه ۲۲۳ بقره تصریح کرده است. مسئله فرزندآوری در ادبیات قرآن بیش از هر مفهوم دیگری با مفهوم حرث ارتباط دارد. در واقع زن به‌مثابه «حرث» از حیث «چیستی» مکانی است که امکان باروری و رویش دارد. از آنجاکه فمینیست‌ها تشبیه زنان به حرث را در ارتباط جنسی، نماد بارز مردسالاری قلمداد کرده و با توجه به نگرش بسیار منفی آنها به مردسالاری، حکم تمکین در اسلام به‌صورت یکی از کانون‌های اصلی انتقادهای فمینیستی درآمده است. آنها ابتدای آیه ۲۲۳ سوره بقره را دلیل بر تبعیض جنسی میان زن

و مرد دانسته، با استناد به این آیه گفتند: زن وسیله ارضای مرد است؛ درحالی که قرآن نگاهی متعالی بر این مسئله دارد و آن توسعه حیات و انسان‌سازی است. در این آیه برای رعایت ادب، با آوردن لفظ حرث به صورت کنایی به رابطه زناشویی اشاره شده است. اگر دیدگاه اسلام و قرآن به زن، دیدگاه ارضای جنسی صرف برای مرد بود، دیگر چه لزومی داشت که در آیه قبل آمیزش با زن در دوره عادت ماهیانه را ممنوع اعلام کند؟ دیدگاهی که اولویت را به ارضای جنسی مرد بدهد، طبیعتاً نباید چنین حکمی بدهد و این مسئله را حرام اعلام کند. این امر نشان می‌دهد ظهور «آئی» در زمان است و نسبت به مکان یا امور دیگر، ظهوری ندارد تا بتوان از آن برداشت اطلاق کرد؛ ازاین‌رو تفاوت‌های طبیعی و تشریحی زن و مرد، هیچ دلالتی بر تفاوت ارزش‌گذاری میان دو جنس ندارد و مطابق با هدف غائی آفرینش است و حفظ آنها به نفع هر دو جنس و به نفع کلیت نظام اجتماعی خواهد بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی (ج ۱). بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۲. ابن جزی، محمد بن احمد. (۱۴۱۶ق). التسهیل لعلوم التنزیل (ج ۱). بیروت: شرکت دار الأرقم بن ابي الأرقم.
۳. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ق). زادالمسیر فی علم التفسیر (ج ۱). بیروت: دارالکتب العربی.
۴. ابن حنبل، احمد. (بی تا). مسند احمد (ج ۲). بیروت: دارصادر.
۵. ابن درید، ابوبکر محمد بن حسن. (۱۹۸۷م). جمهره اللغة (ج ۱). بیروت: دارالعلم للملایین.
۶. ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ق). التحریر و التویر (ج ۲). بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
۷. ابن فارس، احمد بن زکریا. (۱۴۰۴ق). معجم مقایس اللغة (ج ۲). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر) (ج ۱). بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
۹. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۲ و ۱۳، چاپ سوم). بیروت: دار صادر.
۱۰. ابوحیان، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰ق). البحر المحیط فی التفسیر (ج ۲). بیروت: دارالفکر.
۱۱. ابو عبیده، معمر بن مثنی. (۱۳۸۱ق). مجاز القرآن (ج ۱). قاهره: مکتبه الخانجی.
۱۲. ازهری، ابومنصور محمد بن احمد. (بی تا). التهذیب اللغة (ج ۱۵). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. امین، نصرت بیگم. (بی تا). تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (ج ۲). [بی جا]: [بی نا].
۱۴. بابایی، علی اکبر؛ عزیزی کیا، غلامعلی و روحانی راد، مجتبی. (۱۳۸۸). روش شناسی تفسیر قرآن (ج ۲، چاپ چهارم). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۵. بابایی، علی اکبر. (۱۳۸۱). مکاتب تفسیری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

١٦. بغوى، حسين بن مسعود. (١٤٢٠ق). تفسير البغوى المسمى معالم التنزيل (ج ١). بيروت: دار احياء التراث العربى.
١٧. بووار، سيمين. (١٣٧٩). جنس دوّم (مترجم: قاسم صنعوى). تهران: انتشارات توس.
١٨. بياضوى، عبدالله بن عمر. (١٤١٨ق). أنوار التنزيل و أسرار التأويل (ج ١ و ٥). بيروت: دار احياء التراث العربى.
١٩. ترمذى، ابو عيسى محمد. (١٤٠٣ق). سنن الترمذى (ج ١، چاپ دوم). بيروت: دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
٢٠. ثعلبى، احمد بن محمد. (١٤٢٢ق). الكشف و البيان المعروف تفسير الثعلبى (ج ٣). بيروت: دار احياء التراث العربى.
٢١. جوهرى، ابو نصر اسماعيل بن حماد. (بى تا). الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية) (ج ١ و ٦). مصر: دارالكتب العربى.
٢٢. حر عاملى، محمد بن حسن. (١٤٠٩ق). وسائل الشيعه (ج ٢٥). قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام.
٢٣. حقى برسوى، اسماعيل بن مصطفى. (بى تا). تفسير روح البيان (ج ١، ٢ و ٩). بيروت: دارالفكر.
٢٤. حيدر، فريد عوض. (٢٠٠٥م). علم الدلاله و دراسه النظرية و تطبيقه. قاهره: مكتبه الاداب.
٢٥. خمينى، سيد روح الله. (بى تا). تحرير الوسيله (ج ٢ و ٣). قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
٢٦. خويى، سيد ابوالقاسم. (١٤٠٩ق). مباني العروة الوثقى (ج ٢). قم: منشورات مدرسه دارالعلم.
٢٧. راغب اصفهانى، حسين بن محمد. (١٤١٢ق). مفردات ألفاظ القرآن. بيروت: دارالشامية.
٢٨. رضاى اصفهانى، محمدعلى. (١٣٨٧). منطق تفسير قرآن (١). قم: جامعة المصطفى العالمية.
٢٩. مرتضى زبيدى، محمد بن احمد. (١٤١٤ق). تاج العروس (ج ٣). بيروت: دارالفكر.
٣٠. زحيلى، وهبه. (١٤١١ق). التفسير المنير فى العقيدة و الشريعة و المنهج (ج ٢، چاپ دوم). دمشق: دارالفكر.
٣١. زمخشرى، محمود بن عمر. (١٤٠٧ق). الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل فى وجوه التأويل (ج ٢، چاپ سوم). بيروت: دارالكتاب العربى.
٣٢. سبزوارى، محمد. (١٤٠٦ق). الجديد فى تفسير القرآن المجيد (ج ١). بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.

۳۳. سعیدی روشن، محمدباقر. (۱۳۸۳). تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی سازمان انتشارات.
۳۴. سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ق). تفسیر السمرقندی المسمى بحر العلوم (ج ۱). بیروت: دارالفکر.
۳۵. سید قطب. (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن (ج ۱، چاپ سی و پنجم). بیروت: دار الشروق.
۳۶. شبر، عبدالله. (۱۴۰۷ق). الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین. کویت: شركة مكتبة الالفین.
۳۷. شیبانی، محمد بن حسن. (۱۴۱۳ق). نهج البیان عن كشف معانی القرآن (ج ۱). قم: نشر الهادی.
۳۸. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد. (۱۴۱۱ق). المحيط فی اللغة (ج ۳). بیروت: عالم الكتب.
۳۹. صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۰۶ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة (ج ۳، چاپ دوم). قم: فرهنگ اسلامی.
۴۰. طالقانی، محمود. (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن (ج ۲، چاپ چهارم). تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴۱. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۲، مترجم: محمدباقر موسوی، چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۲. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۲ و ۱۸، چاپ دوم). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۴۳. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۲ و ۶، چاپ سوم). تهران: ناصر خسرو.
۴۴. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان عن تأویل آی القرآن (ج ۲). بیروت: دارالمعرفة.
۴۵. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام (ج ۱، چاپ چهارم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۶. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامیه (ج ۶). تهران: المکتبه المرتضویه لاحیا الآثار الجعفریه.
۴۷. طبیب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). اطیب البیان فی تفسیر القرآن (ج ۲، چاپ دوم). تهران: اسلام.
۴۸. عابدینی، جواد. (۱۳۸۸). نواندیشی دینی و روش‌شناسی آن. مجله پژوهش، (۲). صص ۷-۳۷.

۴۹. عسکری، ابوهلال. (۱۴۱۲ق). معجم فروق اللغات (ج ۱). قم: مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين ب-قم.
۵۰. عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). التفسیر (تفسیر العیاشی) (ج ۱). تهران: مكتبة العلمية الاسلاميه.
۵۱. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب). (ج ۶، چاپ سوم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۵۲. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). كتاب العين (ج ۸، چاپ دوم). قم: انتشارات هجرت.
۵۳. فضایی، یوسف. (بی تا). سیر تکاملی تاریخ قرآن و تفسیر. تهران: مؤلفین.
۵۴. فضل الله، سید محمد حسین. (۱۴۱۹ق). من وحی القرآن (ج ۵ و ۲۳). بیروت: دارالملاک للطباعة و النشر.
۵۵. فیض کاشانی، محمد. (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی (ج ۵، چاپ دوم). تهران: مكتبه الصدر.
۵۶. فیومی، احمد بن محمد. (بی تا). مصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی (ج ۲). [بی جا]: [بی نا].
۵۷. قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن (ج ۱). تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۵۸. قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). الجامع لأحكام القرآن (ج ۳). تهران: ناصر خسرو.
۵۹. قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). تفسیر قمی (ج ۱، چاپ چهارم). قم: دارالکتاب.
۶۰. قونوی، اسماعیل بن محمد. (۱۴۲۲ق). حاشیه القونوی علی تفسیر الإمام البیضاوی و معه حاشیه ابن التمجید (ج ۵). بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۶۱. ماوردی، علی بن محمد. (بی تا). النکت و العیون تفسیر الماوردی (ج ۱). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶۲. مراغی، احمد مصطفی. (بی تا). تفسیر المراغی (ج ۲). بیروت: دارالفکر.
۶۳. مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف (ج ۲). قم: دارالکتاب الإسلامی.
۶۴. مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان (ج ۱ و ۳). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۶۵. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴ و ۱۳۷۱). تفسیر نمونه (ج ۲). تهران: دارالکتاب الإسلامیه.

۶۶. موسوی سبزواری، عبدالاعلیٰ. (۱۴۰۹ق). مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن (ج ۳، چاپ دوم). بیروت: مؤسسه اهل بیت علیہ السلام. دفتر سماحه آیت الله العظمی السبزواری.
۶۷. نجفی، محمدحسین. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام (ج ۲۹). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶۸. نسفی، عبدالله بن احمد. (۱۴۱۶ق). تفسیر النسفی مدارک التنزیل و حقایق التاویل (ج ۱). بیروت: دارالفائس.
۶۹. نقی پورفر، ولی الله. (۱۳۸۱). پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن. تهران: اسوه.
۷۰. هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۸۶). تفسیر راهنما (ج ۲، چاپ پنجم). قم: بوستان کتاب.
۷۱. هاشمی، احمد. (۱۳۸۱). ترجمه و شرح جواهر البلاغه (ج ۲، مترجم: حسن عرفان، چاپ دوم). قم: نشر بلاغت.

72. <https://www.x-shobhe.com/shobhe/3359.html>



References

* The Holy Qur'an.

1. Abedini, J. (1388 AP). New religious thinking and its methodology, *Research Journal*, (2) pp. 37-7. [In Persian]
2. Abu Ubaidah, M. (1381 AH). *Majaz Qur'an* (Vol. 1). Cairo: Al-Khanji Library. [In Arabic]
3. Abuhayan, M. (1420 AH). *Al-Bahr al-Muhit fi al-Tafseer* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic]
4. Alousi, M. (1415 AH). *Ruh Al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-'Azeem va the "Saba al-Mathani"* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah, Mohammad Ali Bayzoun Publications. [In Arabic]
5. Amin, N. (n.d.). *Tafsir Makhzan al-Irfan in the sciences of the Qur'an* (Vol. 2).
6. Askari, A. (1412 AH). *Mujam Forough al-Lughat* (Vol. 1). Qom: Islamic Publications Office affiliated to Islamic Seminary Teachers' Association. [In Arabic]
7. Ayashi, M. (1380 AH). *Al-Tafsir. (Tafsir al-Ayashi)* (Vol. 1). Tehran: Islamic School of Science. [In Arabic]
8. Azhari, A. (n.d.). *Al-Tahdhib al-Lughah* (Vol. 15). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi.
9. Babaei, A. A. (1381 AP). *Schools of Interpretation*. Tehran: Organization for Studying and Compiling Humanities Books of Universities (Samt). [In Persian]
10. Babaei, A. A., & Azizikia, Q. A., & Rouhanirad, M. (1388 AP). *Methodology of Qur'an interpretation*. (Vol. 2, 4th ed.). Qom: Research Institute for Hawzah and University. [In Persian]
11. Baghavi, H. (1420 AH). *Tafsir al-Baghavi al-Masami Maalam al-Tanzil* (Vol. 1). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
12. Baidawi, A. (1418 AH). *Anwar al-Tanzil va Asrar al-Tawil* (Vols. 1, 5). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
13. Bouvar, S. (1379 AP). *The second gender*. (Sanawi, Q, Trans.). Tehran: Tous Publications. [In Persian]

14. Esari, Y. (n.d.). *Evolutionary course of Qur'anic history and interpretation*. Tehran: Authors.
15. Fakhr Razi, M. (1420 AH). *Al-Tafseer al-Kabir. (Mufatih al-Ghayb)*, (Vol. 6, 3rd ed.). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
16. Farahidi, K. (1410 AH). *Kitab al-Ain*. (Vol. 8, 2nd ed.). Qom: Hijrat Publications. [In Arabic]
17. Fazlollah, S. M. H. (1419 AH). *Min Vahye al-Qur'an* (Vols. 5, 23). Beirut: Dar al-Milak le Tab'a'ah va al-Nashr.
18. Feiz Kashani, M. (1415 AH). *Tafsir al-Safi*. (Vol. 5, 2nd ed.). Tehran: Sadr Library. [In Arabic]
19. Foyoumi, A. (n.d.). *Misbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabeer le al-Rafe'ei* (Vol. 2).
20. Haider, F. (2005). *Ilm Al-Dalalah va Dirasoh al-Nazariyah va Tatbighiyah*. Cairo: Maktabah al-Adab.
21. Haqi Barsowi, I. (n.d.). *Interpretation of Rouh Al Bayan* (Vols. 1, 2, 9). Beirut: Dar al-Fekr.
22. Hashemi Rafsanjani, A. (1386 AP). *Tafsir Rahnama*. (Vol. 2, 5th ed.). Qom: Bustan Kitab. [In Persian]
23. Hashemi, A. (1381 AP). *Translation and description of Javaher al-Balagheh*. (Vol. 2, Erfan, H, Trans., 2nd ed.). Qom: Balaghat Publications. [In Persian]
24. Hor Ameli, M. (1409 AH). *Wasa'il Al-Shia* (Vol. 25). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
25. <https://www.x-shobhe.com/shobhe/3359.html>.
26. Ibn Ashur, M. (1420 AH). *Tahrir va al-Tanvir* (Vol. 2). Beirut: Institute of Al-Tarikh al-Arabi. [In Arabic]
27. Ibn Darid, A. (1987). *Jomharah al-Lughah* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Ilm le al-Mala'een.
28. Ibn Fars, A. (1404 AH). *Mujam Maqa'ees al-Lughah* (Vol. 2). Qom: Islamic Propaganda Office. [In Arabic]
29. Ibn Hanbal, A. (n.d.). *Musnad Ahmad* (Vol. 2). Beirut: Dar Sader.

30. Ibn Jazi, M. (1416 AH). *Tashil al-Uloom al-Tanzil* (Vol. 1). Beirut: Shirkat Dar al-Arqam Bin Abi al-Arqam. [In Arabic]
31. Ibn Jozi, A. (1422 AH). *Zad al-Masir fi Ilm al-Tafsir* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
32. Ibn Kathir, I. (1419 AH). *Tafsir al-Qur'an al-Azim*. (Ibn Kathir) (Vol. 1). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah, Mohammad Ali Bayzoun Publications. [In Arabic]
33. Ibn Manzoor, M. (1414 AH). *Lisan Al-Arab*. (Vols. 2, 13, 3rd ed.). Beirut: Dar Sader. [In Arabic]
34. Johari, A. (n.d.). *Al-Sahah*. (Taj al-Lugha va Sahah al-Arabiya) (Vols. 1, 6). Egypt: Dar al-Kotob al-Arabi.
35. Khoei, S. A. (1409 AH). *Mabani al-Orwa al-Wusqa* (Vol. 2). Qom: Manshurat Madrisah Dar al-Ilm. [In Arabic]
36. Khomeini, S. R. (n.d.). *Tahrir al-Wasila* (Vols. 2, 3). Qom: Dar al-Ilm Press Institute.
37. Makarem Shirazi, N. et al. (1374 & 1371 AP). *Tafsir Nemouneh* (Vol. 2). Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. [In Persian]
38. Maqatil ibn Suleiman. (1423 AH). *Tafsir Maqatil bin Suleiman* (Vols. 1, 3). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
39. Maraghi, A. (n.d.). *Tafsir al-Maraghi* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Fekr.
40. Mawardi, A. (n.d.). *Al-Nokat va al-Oyun Tafsir al-Mawardi* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah.
41. Mousavi Sabzevari, A. (1409 AH). *Mawahib al-Rahman fi Tafsir al-Qur'an*. (Vol. 3, 2nd ed.). Beirut: Alulbayt Institute. The office of Grand Ayatollah Al-Sabzevari. [In Arabic]
42. Mughniyeh, M. J. (1424 AH). *Tafsir al-Kashif* (Vol. 2). Qom: Dar al-Kitab al-Islami. [In Arabic]
43. Najafi, M. H. (1404 AH). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharae al-Islam* (Vol. 29). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
44. Naqi Pourfar, V. (1381 AP). *A research about meditation in the Quran*. Tehran: Osweh. [In Persian]

45. Nasfi, A. (1416 AH). *Tafsir al-Nasfi Madarik al-Tanzil va Haqa'iq al-Tawail* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Nasfi. [In Arabic]
46. Qarashi Banabi, A. A. (1371 AP). *Quran dictionary* (Vol. 1). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Persian]
47. Qomi, A. (1367 AP). *Tafsir Qomi*. (Vol. 1, 4th ed.). Qom: Dar al-Kitab. [In Persian]
48. Qonavi, I. (1422 AH). *Hashiyah al-Qunavi ala Tafsir al-Imam al-Bayzavi va Ma'aho Hashiyah ibn al-Tamjid* (Vol. 5). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah, Mohammad Ali Bayzoun Publications. [In Arabic]
49. Qurtubi, M. (1364 AP). *Al-Jamae le Ahkam al-Qur'an* (Vol. 3). Tehran: Nasser Khosrow. [In Persian]
50. Ragheb Esfahani, H. (1412 AH). *Mufradat Alfaz al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Shamiya. [In Arabic]
51. Rezaei Esfahani, M. A. (1387 AP). *The logic of interpretation of the Qur'an*. (1). Qom: Al-Mustafa International University. [In Persian]
52. Sabzevari, M. (1406 AH). *Al-Jadid fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Ta'aruf le al-Matbu'at. [In Arabic]
53. Sadeghi Tehrani, M. (1406 AH). *Al-Furqan fi Tafsir al-Qur'an be al-Qur'an va al-Sunnah*. (Vol. 3, 2nd ed.). Qom: Islamic culture. [In Arabic]
54. Sahib bin Ebad, I. (1411 AH). *Al-Muhit fi al-Luqah* (Vol. 3). Beirut: Alam al-Kitab. [In Arabic]
55. Saidi Roshan, M. B. (1383 AP). *An analysis of the language of the Qur'an and the methodology of understanding it*. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought Publishing Organization. [In Persian]
56. Samarghandi, N. (1416 AH). *Tafsir al-Samrqandi al-Musama Bahr al-Uloom* (Vol. 1). Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic]
57. Seyed Qutb. (1425 AH). *Fi Zilal al-Qur'an*. (Vol. 1, 35th ed.). Beirut: Dar al-Sharouq. [In Arabic]
58. Shibani, M. (1413 AH). *Nahj al-Bayan an Kashf Ma'ani al-Qur'an* (Vol. 1). Qom: Al Hadi Publications. [In Arabic]

59. Shobbar, A. (1407 AH). *Al-Jawhar al-Thamin fi Tafsir al-Kitab al-Mubin*. Kuwait: Shirkah al-Maktabah Al-Alfein. [In Arabic]
60. Tabari, M. (1412 AH). *Jami al-Bayan an Tawil Ai al-Qur'an* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Ma'arif. [In Arabic]
61. Tabarsi, F. (1372 AP). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. (Vols. 2, 6, 3rd ed.). Tehran: Nasser Khosro. [In Persian]
62. Tabatabaei, S. M. H. (1374 AP). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. (Vol. 2, Musavi, M. B, Trans., 5th ed.). Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]
63. Tabatabaei, S. M. H. (1390 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. (Vols. 2, 18, 2nd ed.). Beirut: Mu'asisah al-A'alami le Matbu'at. [In Arabic]
64. Taleghani, M. (1362 AP). *Light from the Qur'an*. (Vol. 2, 4th ed.). Tehran: Intishar Company. [In Persian]
65. Tayeb, A. (1369 AP). *Atayib al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. (Vol. 2, 2nd ed.). Tehran: Islam. [In Persian]
66. Thaalbi, A. (1422 AH). *Al-Kashf va Al-Bayan al-Ma'roof Tafsir al-Thalabi* (Vol. 3). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
67. Tirmidhi, A. (1403 AH). *Sunan al-Tirmidhi*. (Vol. 1, 2nd ed.). Beirut: Dar al-First print le al-Taba'ah va al-Nashr va al-Tawzi. [In Arabic]
68. Tousi, M. (1365 AP). *Tahdib al-Ahkam*. (Vol. 7, 4th ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Persian]
69. Tousi, M. (1387 AP). *Al-Mabsut fi fiqh al-Imamiyah* (Vol. 6). Tehran: Al-Maktabah le Ihya al-Athar al-Jaafarih. [In Persian]
70. Zamakhshari, M. (1407 AH). *Al-Kashaf an Haqa'iq Ghawamiz Al-Tanzil va Ayun Al-Aghawil fi Vojouh Ta'awil*. (Vol. 1, 3rd ed.). Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [In Arabic]
71. Zoheili, W. (1411 AH). *Al-Tafseer al-Munir fi Al-Aqeedah va Al-Sharia va Al-Manhaj*. (Vol. 2, 2nd ed.). Damascus: Dar al-Fekr. [In Arabic]
72. Zubeidi, M. (1414 AH). *Taj al-Arus* (Vol. 3). Beirut: Dar al-Fekr. [In Arabic]